

همچنان چین  
 با رویکردی  
 محتاطانه  
 تحولات  
 افغانستان را  
 دنبال می‌کند  
 و در آخرین  
 نشست  
 شانگهای نیز، از  
 طالبان با وجود  
 عضویت ناظر  
 افغانستان،  
 دعوت به عمل  
 نیامد

با خروج ایالات متحده از افغانستان و سقوط کابل، گروه طالبان پس از دو دهه کشاکش با نیروهای اشغالگر، مجدداً موفق به بازپس‌گیری قدرت در سپهر سیاسی افغانستان شد. با وقوع این رویداد سیاسی، بسیاری از گمانه‌زنی‌ها بر این فرض استوار بود که چین با احساس خلأ قدرت در افغانستان، به مهم‌ترین بازیگر خارجی در همسایگی غربی خود بدل خواهد شد. به بیان دیگر خروج نیروهای ایالات متحده و پایان کار ناتو، نقش‌آفرینی چین و سازمان همکاری شانگهای را به ذهن به‌عنوان بدیلی نزدیک، متبادر می‌کرد. اما اکنون با گذشت بیش از یک سال از قدرت گرفتن طالبان، همچنان چین با رویکردی محتاطانه تحولات افغانستان را دنبال می‌کند و در آخرین نشست شانگهای نیز، از طالبان با وجود عضویت ناظر افغانستان، دعوت به عمل نیامد. اگرچه اغلب بازیگران اصلی شانگهای از جمله چین، روسیه، پاکستان و ایران، پس از سقوط کابل آن را محکوم نکرده و روابط خود با گروه طالبان را حفظ کردند، با این حال تا به امروز نه تنها این بازیگران، بلکه هیچ کشوری طالبان را به عنوان دولت مشروع افغانستان به رسمیت نشناخته است. رصد تحولات افغانستان نشان از این واقعیت دارد که همچنان بازیگران مختلف با احتیاط و محافظه‌کاری به روابط خود با گروه طالبان شکل داده و همزمان آن را محک می‌زنند. در این نوشتار به نوع نگاه چین به افغانستان تحت حاکمیت طالبان، با تمرکز بر دغدغه‌های اقتصادی این کشور در همسایگی غربی پرداخته خواهد شد.

## جایگاه افغانستان در سیاست خارجی چین از گذشته تا امروز

نگاه نخبگان چین به افغانستان را می‌توان از بیانیه رئیس‌جمهور سابق آن، آقای «هو جینتاو» استنباط کرد که به وضوح اظهار داشت: «ما به مدیریت امور منطقه ادامه خواهیم داد و آن را در مقابل شوک‌های ناآرام خارج از منطقه محافظت کرده و نقش بزرگ‌تری را ایفا خواهیم کرد. نقش در بازسازی صلح‌آمیز افغانستان». پس از وی «شی جینگ‌پینگ» نیز به محض دیدار با «اشرف غنی» در اکتبر ۲۰۱۴ در پکن، بر تعهد چین برای صلح، ثبات و شکوفایی اقتصادی افغانستان تأکید کرد. شی در این دیدار بیان داشت که تمام تلاش خود را به منظور همکاری با همتای افغان خود برای «عصر جدیدی از همکاری در روابط چین و افغانستان و رساندن توسعه به عمق و وسعت جدید» می‌کند. اظهارات دو رئیس‌جمهور نشان از اهمیت افغانستان در منظومه سیاست خارجی چین و تصمیم این کشور برای نقش‌آفرینی در همسایگی غربی خود دارد. با این حال بی‌ثباتی متناثر از کشاکش طالبان و اشغالگران به همراه اوج گرفتن فعالیت داعش و اعلام موجودیت شاخه خراسان (۲۰۱۴) آن در افغانستان همواره به عنوان یک چالش برای تعمیق همکاری بین دو کشور مطرح بوده است.

حضور ایالات متحده و نیروهای ناتو در افغانستان برای چین به عنوان یک فرصت و به‌طور همزمان یک تهدید تلقی شده است. حضور نیروهای غربی در افغانستان از بعد ژئوپلیتیکی، برای چین حداقل در بلندمدت خوشایند نبوده است. این احساس را می‌توان به نوعی استقبال نسبی چین از خروج ایالات متحده و حفظ روابط دیپلماتیک با طالبان استنباط کرد. از سوی دیگر چین در بسیار از نقاط جهان متأثر از راهبرد «سیاست کم‌هیاو» سعی